اخبار

ثبت‌سفارش برنج از هفته آینده آغاز می‌شود

بنا بر اعلام معاونت توسعه بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی ثبت سفارش جدید برنج از دوشنبه ۱۳ مرداد آغاز می‌شود.

به گزارش خبرنگار مهر، آخرین ثبت سفارش برنج خارجی اردیبهشت ماه امسال انجام شد. شرایط خاص کشور سبب شد تا ممنوعیت ۴ ماهه واردات برنج در فصل برداشت برنج داخلی لغو شود.

بنا بر اعلام معاونت توسعه بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی ثبت سفارش فصل پاییز برای تأمین بازار برنج سفید از دوشنبه ۱۳ مرداد آغاز می‌شود.

همچنین اعتبار ثبت سفارش‌ها یک ماهه تعیین شده است.

۸۵ درصد گوشت قرمز مصرفی تولید داخل است

نایب رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق تعاون گفت: بنابر آمار در شرایط کنونی ۸۵ درصد گوشت مورد نیاز از تولید داخل تامین می‌شود که در صورت حمایت دولت نیازی به واردات نداریم.

باشگاه خبرنگاران جوان؛ جواد آزاد نایب رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق تعاون گفت: با توجه به تغییر ارز واردات گوشت به ندرت در حال انجام است، اما واردکنندگان بدنبال آن هستند که مجدد ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان را به واردات برگردانند.

به گفته وی، با حذف ارز ترجیحی، قیمت گوشت وارداتی واقعی تر می شود. به عنوان مثال اکنون هرکیلو گوشت خارجی با قیمت ۸ دلار خریداری می شود که در گذشته دولت ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزارتومان روی هرکیلو گوشت وارداتی یارانه می داد که این به معنای ارزان بودن گوشت خارجی نیست.

آزاد ادامه داد: طرح خودکفایی گوشت از سوی دولت در حال پیگیری است و دستیابی به این امر کار دشواری نیست. سال گذشته دولت بیش از یک میلیارد دلار ارز به واردات گوشت اختصاص داد، درحالیکه اگر مابه التفاوت ارز به دامدار بدهند، ۱۰ تا ۱۵ درصد کسری نیاز کشور از محل تولید داخل تامین می شود.

نایب رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق تعاون با بیان اینکه نیازی به واردات گوشت قرمز نداریم، گفت: بنابر آمار سال گذشته ۹۳۰ هزارتن گوشت در کشور تولید شد که براین اساس ۸۵ درصد نیاز کشور در داخل تولید شد و در صورت حمایت از دامدار پتانسیل خودکفایی و تامین ۱۰۰ درصدی از محل داخل وجود دارد.

دلیل خروج پرقدرت نقدینگی از بازار سهام چیست؟

سیگنال ترس به بازار بورس

گروه اقتصاد - برخی کارشناسان معتقدند که بازار سرمایه در کوتاه‌مدت به طور طبیعی تحت‌تاثیر ابهامات اقتصادی و سیاسی، دچار تلاطم می‌شود و منفی است، اما در میان‌مدت و بلندمدت، بازاری که بازدهی پیشرو دارد، به دلیل فاصله قابل توجه و معنادار سطح ارزندگی، فقط بازار سرمایه است.

به‌اعتقاد کارشناسان، این وضعیت، هشدار جدی برای سیاست‌گذاران است که بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران به سطح بی سابقه‌ای رسیده و حتی بسته‌های حمایتی نیز نتوانست شرایط بورس را تغییر دهد

هفته اول مردادماه، روزهای خوشی را برای بازار سرمایه رقم نزد و یکی از منفی‌ترین عملکردهای بورس در ماه‌های اخیر اتفاق افتاد. شاخص‌کل بورس با افت سنگین ۵.۴۲ درصدی به سطح دو میلیون و ۶۸۱ هزار واحد رسید و شاخص هم‌وزن نیز با کاهش ۴.۱۵ درصدی، مسیر نزولی بازار را تایید کرد.

در این هفته به باور برخی تحلیلگران، شایعات مربوط به تعطیلی بازار، بحران کمبود انرژی و پیامدهای آن بر تولید صنایع، فضای نااطمینانی را در بازار تشدید کرده است؛ به طوری که تقاضا در بازار به‌شدت تضعیف و عرضه‌ها غالب شد.

خبرآنلاین در همین زمینه نوشت: بررسی آمارها نشان می‌دهد حجم معاملات خرد در این هفته حدود ۲۵ درصد افت کرده است. تراز ورود و خروج پول حقیقی نیز در هفته اول مرداد، بیانگر خروج حدود ۵ هزار میلیارد تومان نقدینگی حقیقی از بازار سرمایه است.

به اعتقاد کارشناسان، این وضعیت، هشدار جدی برای سیاست‌گذاران است که بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران به سطح بی سابقه ای رسیده و حتی بسته‌های حمایتی نیز نتوانست شرایط بورس را تغییر دهد.

چرا وضعیت بازار سرمایه عادی نشد؟

در همین خصوص فردین آقابزرگی، کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با خبرگزاری خبرآنلاین درباره این‌که چرا بازار سرمایه به حالت عادی باز نگشته است، می‌گوید: شرایط در تمامی بازارها به همین صورت هست، منتها این وضعیت نقدشوندگی برای بورس جلوی چشم است و همه می‌بینند که قرمزپوش یا سبزپوش می‌شود، اما طبق روال طبیعی حرکت می‌کند.

وی می‌افزاید: دو موضوع مهم در این خصوص وجود دارد. یکی، تعطیلی نابه‌جای ۱۲ روزه معاملات در بورس اوراق بهادار بود. موضوع دوم که قابل اهمیت است، این است که وقتی جریان طبیعی بازار، یا به سمت مثبت یا به سمت منفی گرایش دارد، هر گونه حمایت یا تقویت عرضه در هر صورتی، مثبت یا منفی، اگر به صورت غیرمتعارف باشد، مسلما تاثیری جز کوتاه‌مدت نخواهد داشت.

این کارشناس بازار سرمایه یادآور می‌شود: همان‌طور که دیدیم، از ابتدای شروع تزریق نقدینگی از سوی بانک مرکزی به بازار سرمایه، تعدادی از کارشناسان اعتقاد داشتند و دارند که این‌گونه حرکت‌ها به جز تاثیرات کوتاه‌مدت، نتیجه‌ای ندارد؛ چراکه سرمایه تفکر دارد. وقتی فشار فروش زیاد هست، نمی‌توانیم با تزریق منابع، از این جو جلوگیری کنیم؛ همان‌طور که در سال ۹۹ هم نتوانست.

آقابزرگی تصریح می‌کند: هیچ‌کجای دنیا منابع مالی را به نیت و با هدف حمایت از بازار سرمایه به بورس، به طور مستقیم وارد بورس نمی‌کنند. یا لاین‌های اعتباری ایجاد می‌شود و یا این‌که نهادهای مالی را تزریق می‌کنند. تنها بورسی در دنیا که دامنه نوسان ایستا و غیرپویا دارد، ایران است. در همه جای دنیا دامنه نوسان پویا دارد.

وی در آینده بازار سرمایه عنوان می‌کند: بازار سرمایه در کوتاه‌مدت به طور طبیعی تحت‌تاثیر ابهامات اقتصادی و سیاسی، دچار تلاطم می‌شود و منفی است، اما به شخصه اعتقاد دارم که در میان‌مدت و بلندمدت، بازاری که بازدهی پیشرو دارد، به دلیل فاصله قابل توجه و معنادار سطح ارزندگی، فقط بازار سرمایه است. یعنی در میان‌مدت به طور قطع بورس از حیث بازدهی پیشروتر خواهد بود.

ریسک‌های ژئوپلیتیکی هنوز از بین نرفته‌اند

مجید عبدالحمیدی، کارشناس بازار سرمایه نیز درباره وضعیت بازار سرمایه و این‌که بازار به شرایط عادی بازنگشته و شاخص‌ها در محدوده منفی هستند، می‌گوید: برای پاسخ به این سوال، باید به چند عامل بنیادین و هم‌زمان اشاره کرد. بازار سرمایه به‌عنوان یک نهاد هوشمند، تنها تابع متغیرهای بنیادی مانند سودآوری شرکت‌ها یا نرخ ارز نیست، بلکه بیش از هر چیز به «انتظارات آینده»، «ریسک‌های سیستماتیک» و «جریان نقدینگی» حساس است. اکنون هر سه این فاکتورها در وضعیت شکننده‌ای قرار دارند.

وی با بیان این‌که ریسک‌های ژئوپلیتیکی هنوز از بین نرفته‌اند، می‌افزاید: اگرچه تنش نظامی کاهش یافته، اما سایه سنگین بی‌ثباتی منطقه‌ای، تحریم‌های پابرجا و نبود افق روشن برای توافقات بین‌المللی مانند برجام، همچنان احساس نااطمینانی را در فضای اقتصادی کشور بالا نگه داشته است. این سطح از ریسک سیاسی، موجب افزایش نرخ تنزیل ذهنی سرمایه‌گذاران و کاهش میل به ورود پول هوشمند به بازار سرمایه شده است.

این کارشناس بازار سرمایه در همین حال با اشاره به این‌که نقدینگی در اقتصاد به‌سمت بازارهای موازی هدایت شده است، عنوان می‌کند: با رشد نرخ سود بین‌بانکی، افزایش جذابیت سپرده‌های بانکی، رشد تقاضای سفته‌بازانه در بازارهای طلا و ارز، بخشی از نقدینگی که باید موتور پیشران بازار سرمایه باشد، از این بازار فاصله گرفته است. در عمل، ما با یک جریان خروج پول حقیقی‌ها از بازار بورس و کوچ آن به سمت ابزارهای با ریسک کمتر مواجهیم.

عبدالحمیدی با اشاره به اعتماد تضعیف‌شده نسبت به سیاست‌گذار اقتصادی، تصریح می‌کند: در ماه‌های اخیر، تصمیمات متعدد و ناهماهنگ در حوزه قیمت‌گذاری دستوری، صادرات محصولات، نرخ‌گذاری ارز نیمایی و حتی بحث اخذ مالیات بر عایدی سرمایه، باعث تزلزل اعتماد فعالان به ثبات قوانین و مقررات شده است. در چنین شرایطی، رفتار بازار کاملا محافظه‌کارانه می‌شود.

چرا بسته‌های حمایتی، بازار را نجات نداد؟

وی در همین حال در پاسخ به این سوال که چرا بسته‌های حمایتی و تخصیص منابع از سوی دولت و نهادهای حاکمیتی نتوانست بازار را نجات دهد؟ می‌گوید: واقعیت این است که بسته‌های حمایتی مانند تخصیص منابع به صندوق تثبیت بازار، تامین مالی صندوق توسعه بازار یا اعطای تسهیلات اعتباری از سوی بانک‌ها به نهادهای مالی، در جای خود مفید هستند؛ اما نباید فراموش کنیم که بازار بیش از آن‌که به مسکن‌های موقتی نیاز داشته باشد، تشنه اعتماد و سیاست‌گذاری پایدار است.

این کارشناس بازار سرمایه می‌افزاید: نقدینگی تزریق‌شده به بازار، در غیاب چشم‌انداز مثبت، صرفا به ایجاد رشدهای کوتاه‌مدت، هیجانی و بدون پشتوانه بنیادی منجر می‌شود. پس از پایان اثر آنی این حمایت‌ها، معمولا بازار با ریزش مجدد مواجه می‌شود. نمونه آن را در رفتار شاخص کل پس از حمایت‌های مقطعی اسفندماه گذشته مشاهده کردیم.

عبدالحمیدی متذکر می‌شود: از سوی دیگر، بخش بزرگی از این حمایت‌ها به نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز سوق پیدا کرد، درحالی‌که بدنه بازار – خصوصا سهام کوچک‌تر و شرکت‌های با شناوری بالا – عملا از این حمایت‌ها بی‌بهره ماندند و وارد یک فاز ناهمگرایی شدید در عملکرد شدند.

وی درباره این‌که آیا می‌توان به آینده بازار سرمایه در سال جاری امید داشت؟ عنوان می‌کند: تحلیل آینده بازار به سه سناریوی محتمل وابسته است. سناریوی خوش‌بینانه این است که با کاهش تنش‌های منطقه‌ای، بهبود مذاکرات سیاسی، تثبیت نرخ ارز، و بازگشت بخشی از جریان نقدینگی به بازار سهام، می‌توان انتظار یک رشد میان‌مدت در بازار داشت؛ به‌خصوص اگر سیاست‌گذار از قیمت‌گذاری دستوری فاصله بگیرد و سودآوری شرکت‌ها را تقویت کند. در این شرایط، نمادهای دلاری، صادرات‌محور و دارای مزیت رقابتی می‌توانند لیدر بازار شوند.

این کارشناس بازار یادآور می‌شود: سناریوی بدبینانه این است که اگر بی‌اعتمادی به سیاست‌گذار ادامه یابد، نااطمینانی‌ها تشدید شود و ابزارهای موازی همچنان جذاب‌تر بمانند، بازار ممکن است در فاز رکود فرسایشی باقی بماند و شاخص‌ها حتی به سطوح پایین‌تری سقوط کنند. این وضعیت می‌تواند به خروج بیشتر سرمایه‌های خرد منجر شود.

عبدالحمیدی ادامه می‌دهد: سناریوی میانه‌رو این است که بازار وارد یک دوره نوسانی و خنثی خواهد شد؛ یعنی نه رشد معنادار و نه ریزش شدید. در این حالت، تحلیل‌محور بودن و انتخاب صحیح سهم بر مبنای فاندامنتال و نسبت‌های مالی، اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند.

وی عنوان می‌کند: در مجموع، بازار سرمایه همچنان بستر امن و مولدی برای سرمایه‌گذاری بلندمدت است، اما نه برای سرمایه‌گذاران هیجانی یا کوتاه‌نگر. زمان آن رسیده که فرهنگ سرمایه‌گذاری در بورس از حالت «سفته‌بازی» خارج و به سمت «تحلیل، صبر، و دید بلندمدت» حرکت کند.

این کارشناس بازار سرمایه تصریح می‌کند: اگر بخواهیم آینده‌ای پایدار و قابل اتکا برای بازار سرمایه ترسیم کنیم، چاره‌ای جز حرکت به‌سمت عمق‌بخشی واقعی بازار و توسعه ابزارهای نوین مالی نداریم. بازار سرمایه‌ای که تنها بر چند نماد بزرگ و معدود ابزارهای معاملاتی سنتی استوار باشد، نمی‌تواند در برابر نوسانات اقتصادی، تنش‌های سیاسی یا هجمه نقدینگی پایدار بماند.

عبدالحمیدی تصریح می‌کند: در دنیا ابزارهایی نظیر قراردادهای آتی، فروش تعهدی، اختیار معامله پیشرفته، صندوق‌های قابل معامله بخشی، ریت‌ها، اوراق مشتقه ارزی و پلتفرم‌های تامین مالی جمعی، توانسته‌اند بازارهای مالی را هم عمیق‌تر و هم کارآمدتر کنند. اما متاسفانه در ایران، محدودیت‌های بیش از حد، سخت‌گیری‌های مقرراتی، و مقاومت ساختارهای سنتی در برابر نوآوری، سد راه بلوغ بازار سرمایه شده‌اند.

وی متذکر می‌شود: از سوی دیگر، اقتصاد دستوری، کنترل‌های قیمتی و مداخلات مکرر در مکانیسم عرضه و تقاضا، نه‌تنها موجب افت بازدهی و اعتماد سرمایه‌گذاران می‌شود، بلکه عملا فلسفه وجودی بازار سرمایه را زیر سوال می‌برد.

این کارشناس بازار سرمایه می‌افزاید: فعالان بازار – اعم از حقیقی، حقوقی و نهادهای مالی – نیازمند یک بستر پیش‌بینی‌پذیر، قانون‌مدار و آزاد برای رشد هستند؛ نه بازاری که در آن، «ابهام» و «دخالت» به جای «تحلیل» و «شفافیت» بنشیند.

عبدالحمیدی تصریح می‌کند: تا زمانی که این نگاه اصلاح نشود، نمی‌توان انتظار داشت که بازار سرمایه نقش واقعی خود را در تامین مالی تولید، ارتقای شفافیت اقتصاد و مقابله با تورم ایفا کند.

خبر

پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول

چشم‌انداز تیره برای اقتصاد ایران

صندوق بین‌المللی پول در تازه‌ترین گزارش خود رشد اقتصادی ایران در سال جاری را با افت قابل توجه نسبت به سال قبل تنها ۰٫۶ درصد پیش‌بینی کرده است.

به گزارش اکوایران، طبق جدیدترین برآورد صندوق بین‌المللی پول، رشد تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۴۰۲ معادل ۵ درصد بوده است؛ با این حال، در سال ۱۴۰۳ کاهش قابل توجهی رخ داد و نرخ رشد اقتصادی کشور به ۳.۵ درصد کاهش یافت.

صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی می‌کند که در سال ۱۴۰۴، رشد اقتصادی ایران تنها ۰.۶ درصد خواهد بود، که این رقم نشان‌دهنده افت چشمگیر و کند شدن روند رشد اقتصادی کشور است. با اینحال، پیش‌بینی رشد اقتصادی ایران در سال جاری ۰٫۳ واحد درصد نسبت به گزارش قبلی این صندوق افزایش داشته است.

همچنین پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی ایران در سال ۱۴۰۵ با بهبود اندک به ۱.۱ درصد برسد.

بر اساس این گزارش، رشد اقتصادی جهان برای سال ۲۰۲۵ معادل ۳ درصد و برای ۲۰۲۶ برابر با ۳.۱ درصد پیش‌بینی شده است که این ارقام نسبت به برآوردهای گزارش پیشین چشم‌انداز اقتصادی جهان در آوریل ۲۰۲۵ با افزایش همراه بوده‌اند؛ به‌طوری‌که پیش‌بینی سال ۲۰۲۵، حدود ۰.۲ واحد درصد و پیش‌بینی سال ۲۰۲۶ نیز ۰.۱ واحد درصد بالاتر از برآوردهای پیشین است.

افزایش این پیش‌بینی‌ها به دلایلی مانند افزایش زودهنگام و بیش از انتظار فعالیت‌های اقتصادی در واکنش به احتمال اعمال تعرفه‌های جدید، پایین‌تر بودن میانگین نرخ مؤثر تعرفه‌های آمریکا نسبت به آنچه در آوریل اعلام شده بود، بهبود شرایط مالی به‌ویژه در پی تضعیف ارزش دلار آمریکا و همچنین اجرای سیاست‌های انبساطی مالی در برخی از اقتصادهای بزرگ بازمی‌گردد.

در مورد تورم جهانی نیز انتظار می‌رود که نرخ این داده در سال ۲۰۲۵ با کاهش ۱٫۴ واحد درصدی نسبت به سال قبل به ۴.۲ درصد و در سال ۲۰۲۶ به ۳.۶ درصد کاهش یابد؛ مسیری که با پیش‌بینی‌های گزارش آوریل هم‌راستا است.

البته این روند کلی، تفاوت‌های قابل‌توجه میان کشورها را پنهان می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که تورم در ایالات متحده همچنان بالاتر از هدف‌گذاری باقی خواهد ماند، در حالی که در سایر اقتصادهای بزرگ، نرخ تورم با شدت و نوسان کمتری ادامه خواهد داشت.

ریسک‌های پیش‌روی چشم‌انداز اقتصادی همچنان به سمت کاهش رشد متمایل‌اند؛ مساله‌ای که پیش‌تر نیز در گزارش آوریل ۲۰۲۵ مورد تاکید قرار گرفته بود.

این در حالی است که بازگشت نرخ‌های موثر تعرفه به سطوح بالاتر می‌تواند به کاهش رشد اقتصادی منجر شود. تداوم ابهام‌های اقتصادی نیز ممکن است فشار بیشتری بر فعالیت‌های اقتصادی وارد کند، به‌ویژه اگر زمان تعویق اعمال تعرفه‌های جدید بدون دستیابی به توافق‌های پایدار و موثر سپری شود. تنش‌های ژئوپلیتیک نیز می‌تواند زنجیره‌های تامین جهانی را مختل کرده و موجب افزایش قیمت کالاها شود. همچنین، کسری بودجه بیشتر یا افزایش تمایل سرمایه‌گذاران به ریسک‌گریزی ممکن است به افزایش نرخ بهره بلندمدت و سخت‌تر شدن شرایط مالی در سطح جهانی بینجامد.

این شرایط، همراه با نگرانی نسبت به تکه‌تکه شدن نظام اقتصادی جهان، می‌تواند بار دیگر نوسانات بازارهای مالی را شدت بخشد. در مقابل، چنانچه مذاکرات تجاری به چارچوبی قابل پیش‌بینی منتهی شود و کاهش تعرفه‌ها را به دنبال داشته باشد، می‌توان به تقویت رشد جهانی امیدوار بود. برای تحقق این هدف، سیاست‌گذاران باید با کاهش تنش‌ها، حفظ ثبات قیمتی و مالی، ترمیم منابع مالی دولت‌ها و اجرای اصلاحات ساختاری ضروری، زمینه‌های اعتماد، پیش‌بینی‌پذیری و پایداری را در اقتصاد جهانی فراهم کنند.

هزینه خاموشی از جیب صنایع کوچک

تولید بدون برق ممکن نیست

با اوج‌گیری دمای هوا و افزایش بار مصرفی شبکه برق کشور، بار دیگر سایه قطعی برق بر سر صنایع سنگینی کرده است.

به گزارش مهر، با اوج‌گیری دمای هوا و افزایش بار مصرفی شبکه برق کشور، بار دیگر سایه قطعی برق بر سر صنایع سنگینی کرده است. شهرک‌های صنعتی که در سال‌های اخیر همواره در فصل گرما با محدودیت‌های برق مواجه بوده‌اند، این بار با خاموشی‌هایی گسترده‌تر و طولانی‌تر روبه‌رو شده‌اند؛ خاموشی‌هایی که طی روزهای گذشته به شکل برنامه‌ریزی‌شده، سه روز در هفته برق این شهرک‌ها را به‌طور کامل قطع می‌کند.

این قطعی‌ها صرفاً چند ساعت محدود در روز نیستند؛ بلکه واحدهای صنعتی در بازه‌ای ۷۲ ساعته به‌کلی از دسترسی به برق محروم می‌شوند. در نتیجه، خطوط تولید در این واحدها به‌طور کامل از کار می‌افتد، ماشین‌آلات صنعتی از حرکت بازمی‌مانند و فرآیندهای وابسته به برق مانند برش، جوشکاری، مونتاژ، پخت، قالب‌گیری و... متوقف می‌شوند.

در غیاب برق، نه‌تنها تولید متوقف می‌شود، بلکه بسیاری از مواد اولیه و محصولات نیمه‌ساخته نیز در معرض فساد یا آسیب قرار می‌گیرند. خاموشی‌های ناگهانی و بلندمدت همچنین می‌تواند به تجهیزات حساس و گران‌قیمت آسیب برساند و هزینه‌های سنگینی را بر واحدهای تولیدی تحمیل کند.

از سوی دیگر، این اختلال باعث به‌هم‌ریختگی برنامه‌های تولید، تأخیر در تحویل سفارش‌ها و نارضایتی مشتریان داخلی و خارجی می‌شود. در شرایطی که بسیاری از صنایع با مشکلاتی مانند کمبود نقدینگی و کاهش تقاضا درگیرند، خاموشی‌های چندروزه نه‌تنها مانعی برای احیای تولید است، بلکه برای برخی بنگاه‌ها به معنای توقف کامل فعالیت اقتصادی خواهد بود.

در همین راستا نیز اطلاعات میدانی نشان می‌دهد که در هفته‌های اخیر، شهرک‌های صنعتی همچون چهاردانگه، سهند، محمودآباد، صفادشت، خرمدشت، سیاه‌سنگ، سپهر نظرآباد کرج و... با محدودیت‌های شدید برق مواجه شده‌اند.

کج‌راهه‌های سیاست‌گذاری

محمود نجفی‌عرب، رئیس اتاق بازرگانی تهران در این خصوص به خبرنگار مهر گفت: امروز بزرگ‌ترین مشکل صنایع، ناترازی انرژی است. برق واحدهای صنعتی سه روز در هفته قطع است و با وجود دارایی‌ها، از جمله نیروی انسانی، اما نمی‌توانیم بهره‌وری لازم را از صنعت داشته باشیم.

او تأکید کرد: بزرگ‌ترین مشکلی که امروز با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم، ناترازی انرژی است که بر همه بخش‌های صنعتی و تجاری کشور نیز اثر منفی گذاشته و این فاصله میان عرضه و تقاضای برق نیز روز به روز بیشتر می‌شود. بنابراین اگر برای این ۳۰ هزار مگاوات کسری برق، برنامه جدی نداشته باشیم، گرفتار خواهیم شد.

به گفته نجفی‌عرب، مشکل آب نیز این وضعیت را پیچیده‌تر کرده است؛ زیرا سدها حجم آب مورد نیاز را ندارند و از حدود ۱۱ هزار مگاوات نیروگاه برق‌آبی که می‌توانست در مدار باشد، تنها در حد ۴ تا ۵ هزار مگاوات در دسترس است.

وی افزود: ناترازی‌ها منابع را متوقف می‌کند و اجازه نمی‌دهد از ظرفیت‌های موجود بهره‌وری لازم را ببریم. طبق برنامه هفتم توسعه، باید ۲.۸ درصد از رشد اقتصادی ۸ درصدی از محل بهره‌وری تأمین شود، اما وقتی برق قطع است و کارخانه سه روز نمی‌تواند کار کند، قاعدتاً تحقق این هدف دشوار خواهد بود

نجفی‌عرب با اشاره به نقش سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد در شکل‌گیری این بحران گفت: حل مشکل ناترازی‌ها از جمله برق و آب باید به‌صورت جدی و با اولویت در دستور کار قرار گیرد. دولت برنامه‌هایی در این خصوص دارد اما باید دید این برنامه‌ها چه زمانی به نتیجه می‌رسند. نکته اینجاست که اگر به ریشه این ناترازی‌ها پرداخته نشود، به کجراهه خواهیم رفت.

وی ادامه داد: از نظر ما، دخالت دولت و قیمت‌گذاری دستوری ریشه این مشکل است. اگر قرار باشد با همین دست‌فرمان جلو برویم و دولت همچنان در این مسائل مداخله کند، مشکل حل نخواهد شد. اگر طی این سال‌ها دولت در صنعت برق و قیمت‌گذاری مداخله نمی‌کرد، مطمئن هستم امروز با این حجم از مشکلات مواجه نبودیم.

رئیس اتاق بازرگانی تهران تصریح کرد: قاعدتاً وقتی سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی به‌جای سود، زیان به همراه دارد، انگیزه‌ای برای ورود به این بخش باقی نمی‌ماند. دولت باید بررسی کند چرا با وجود تأکید مکرر برنامه‌های توسعه‌ای، بخش خصوصی در این سال‌ها تمایلی به سرمایه‌گذاری در حوزه برق نداشته است. در صورت یافتن پاسخ این سوال، شاید جهت‌گیری سیاست‌گذاری‌های خود را تغییر دهد.

شوک به واحدهای کوچک و متوسط

بر این اساس، در شرایطی که تولیدکنندگان داخلی با مجموعه‌ای از بحران‌های ساختاری و مزمن نظیر تورم بالا، نوسانات شدید قیمت مواد اولیه، کمبود سرمایه در گردش، تحریم‌های خارجی، دشواری‌های نقل‌وانتقال مالی و بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری اقتصادی مواجه‌اند، قطعی سه‌روزه برق در شهرک‌های صنعتی به ضربه‌ای تازه و شاید تعیین‌کننده بر پیکر نیمه‌جان تولید ملی تبدیل شده است.

خاموشی‌هایی که تحت عنوان «مدیریت بار مصرفی شبکه» اعمال می‌شود، در عمل به توقف کامل خطوط تولید در بسیاری از واحدهای صنعتی، به‌ویژه واحدهای کوچک و متوسط، منجر شده است. در چنین وضعیتی، تنها بنگاه‌هایی قادر به ادامه فعالیت‌اند که توانایی تأمین برق جایگزین از طریق ژنراتورهای صنعتی را دارند. اما این راه‌حل نیز مختص گروهی محدود از تولیدکنندگان است.

تأمین ژنراتور با توان مناسب برای ادامه کار یک خط تولید، مستلزم صرف هزینه‌های بسیار بالاست؛ هزینه‌هایی که عمدتاً از عهده واحدهای مستقل و کم‌سرمایه خارج است. به‌عنوان نمونه بررسی‌ها نشان می‌دهد که قیمت ژنراتورهای با توان ۱۰۰ تا ۲۰۰ کیلووات که تنها برای مصارف سبک و محدود کاربرد دارند، بین ۹۰۰ میلیون تا ۲ میلیارد تومان برآورد می‌شود. با این حال، همین سطح از توان نیز برای بسیاری از صنایع تولیدی با بار مصرف بالا پاسخ‌گو نیست.

در سطوح بالاتر، ژنراتورهای ۸۰۰ کیلوواتی که برای تأمین برق موقت واحدهای کوچک کاربرد دارند، قیمتی فراتر از ۹ میلیارد تومان دارند؛ رقمی که برای بخش قابل‌توجهی از صنایع کوچک و متوسط به‌هیچ‌وجه قابل تأمین نیست. در خصوص صنایع متوسط و بزرگ‌تر که به توان مصرفی بسیار بالاتری نیاز دارند، گزینه‌های موجود شامل ژنراتورهای سنگین با توان ۱۵۰۰ تا ۳۵۰۰ کیلووات است. قیمت این تجهیزات بسته به برند، کیفیت و ظرفیت، بین ۲۰ تا ۶۵ میلیارد تومان متغیر است؛ عددی که نشان می‌دهد تنها بنگاه‌هایی با پشتوانه مالی قوی، سرمایه‌گذاری وابسته یا حمایت‌های خاص، توان تأمین چنین زیرساخت‌هایی را دارند.

این شکاف دسترسی به برق اضطراری، عملاً نوعی تبعیض زیرساختی در بخش صنعت ایجاد کرده است. بنگاه‌های بزرگ و وابسته، با تجهیز به ژنراتورهای قوی و برق پشتیبان اختصاصی، در روزهای خاموشی بدون وقفه به فعالیت خود ادامه می‌دهند. در مقابل، واحدهای مستقل و کوچک، که بخش قابل‌توجهی از اشتغال صنعتی کشور را نیز در اختیار دارند، ناچار به توقف تولید و تحمل زیان‌های ناشی از آن هستند.

پیامدهایی فراتر از صنعت

باید توجه داشت که واحدهای تولیدی کوچک و متوسط که اغلب با

سرمایه‌های محدود اداره می‌شوند، توان تهیه چنین تجهیزات گرانی را ندارند. در نتیجه، با هر موج قطعی برق، از میدان رقابت خارج می‌شوند؛ در حالی که واحدهای بزرگ‌تر و وابسته، با برخورداری از امکانات گسترده‌تر، بدون وقفه به کار خود ادامه می‌دهند. این مسئله نه‌تنها رقابت صنعتی را ناعادلانه‌تر می‌کند، بلکه به تعمیق شکاف ساختاری در صنعت ایران دامن می‌زند.

قطعی سه‌روزه برق، عملاً به ابزاری برای حذف تدریجی بنگاه‌های مستقل و کوچک از چرخه تولید تبدیل شده است. نخستین پیامد این وضعیت، کاهش تولید و به دنبال آن اخراج نیروهای انسانی برای کاهش هزینه‌هاست. به عبارت روشن‌تر، این خاموشی‌ها نه‌تنها توان تولید بنگاه‌های کوچک را هدف گرفته‌اند، بلکه معیشت کارگران را نیز به خطر انداخته‌اند.

نکته دیگر آنکه بسیاری از این واحدهای کوچک، به‌ویژه در مناطق محروم، تنها فرصت شغلی موجود برای ساکنان آن نواحی هستند. تعطیلی آن‌ها تنها به کاهش تولید ختم نمی‌شود، بلکه به افزایش نرخ بیکاری، تعمیق فقر و در نهایت گسترش نارضایتی اجتماعی منجر خواهد شد.

کارگاه‌ها و بنگاه‌هایی که می‌توانستند به موتور محرک اقتصاد غیرنفتی ایران تبدیل شوند، اکنون در سایه کمبود برق و ضعف برنامه‌ریزی، در حال خاموش شدن هستند بنابراین دولت باید هر چه سریع‌تر برای حل این معضل چاره‌ای بیاندیشد.